

تکثر، پیش فرض گفتگو

روح الله کلانتری

عضو شورای مرکزی و مسوول سازمان

معلمان گلستان

یکی از مولفه های مهم در حوزه اندیشه و عمل انسانها توجه به نگاه آنها به مسئله گفتگو است. زمانی که سخن از گفتگو می کنیم، مقصودمان یک شیوه زندگی و یک شیوه مواجهه با دیگری است باید توجه داشت که گفتگو زمانی می تواند به یک گفتمان تبدیل شود که به لوازم آن پایبند باشیم. مثلا زمانی که به اهل سنت می گوئیم که گفت وگو کنیم باید بدانیم که چه لوازمی لازم دارد؟ یا زمانی که به دنیا اعلام می کنیم که می خواهیم با شما گفت وگو کنیم باید لوازم آن را بشناسیم. فرض کنیم که کرامت انسانی یکی از لوازم گفتگو است. کسی نمی تواند معتقد به گفتگو باشد، اما به کرامت انسانی اعتقادی نداشته باشد. یکی دیگر از پیش فرض های گفتگو تکثر است. همین مقدار باید بپذیریم که همه حقیقت نزد ما نیست. شاید طرف مقابل ما حرفی دارد که باید آنرا بپذیریم. بنابر این باید تکثر را بپذیریم. تکثر یکی از ملزومات گفتگو است. در این بحث چند موضوع را مورد بررسی قرار می دهیم.

1- ریشه تکثر: تکثر در حقیقت ناشی از تفاوت های جدی در زندگی انسانها است. زمانی که می گوئیم قبل از (گفتگو) (تکثر) است در واقع قبل از تکثر باید به تفاوت میان انسانها توجه ویژه داشته باشیم. این تفاوتها را به هشت گروه می توان تقسیم کرد. ما انسانها دارای هشت تفاوت با هم هستیم که خالق آنها نیستیم بلکه مقهور آنهایم. این تفاوتها، جنبه های گوناگون زندگی ما را پوشش می دهد و گاهی به آنها توجه نداریم.

الف: تفاوت جنسیتی است که غیر قابل انکار بوده و آثار و ملزوماتی در زمینه های درک، تمایلات، فهم، تفسیر و نگرشهای انسان دارد. ب: تفاوت در استعداد های انسانها است. با پیشرفت علم تفاوت هوش انسانها را مورد ارزیابی قرار می دهند. لذا دو نفر که در یک رشته درس می خوانند از نظر استعداد های خود دارای درجه فهم و تجزیه و تحلیل مختلف در یک مسئله هستند. ج: تفاوت نژادی عام شامل قومیت، زبان و رنگ است و لوازم مخصوص خود را دارد.

د: تفاوت های فیزیولوژی مثل گرمی مزاج یا سرد مزاج بودن یا صفراوی بودن و بلغمی بودن افراد است که در علاقه و تمایلات افراد تاثیر

دارد.

ر: تفاوت منابع معرفتی و ابزار ادراکی انسانهاست. ما با چشم و گوش و حواسمان یک بخشی از مطالب را درک می کنیم و با عقل و منطق و استدلال بخش دیگری از حقایق را می فهمیم. گاهی از مواقع کشف و شهود و الهام به کمک ما می آید و چیز هایی را می فهمیم که به ذهن ما الهام می شود و خبر دار می شویم که مثلا مادرمان مریض شده، یا در جایی، اتفاق افتاده، در حالی که نه اینها را دیده و نه شنیده ایم و نه با استدلال عقلی قابل دفاع است، بلکه یک امر عرفانی و الهام بوده است.

ز: تفاوت در تمایلات انسانهاست که جنبه مادی و معنوی دارد. انسان غرایز مادی دارد مثل خوردن، آشامیدن، غریزه جنسی و یک سری نیازهای معنوی دارد مثل عشق به هنر، ادبیات و ...

س: تفاوت در تمایلات فردی و جمعی است. ما دارای تشخیص فردی هستیم لذا قبل از اینکه دیگران را ببینیم خودمان را می بینیم، اما در عین حال خودمان را در جمع می بینیم. یعنی انسان فردیت و جمعیت را در خود می بیند. ش: تفاوت ناشی از تفاوت های محیط، جغرافیا و آب و هوا و تاثیر آن بر افراد است. ما همواره مقهور این تفاوت های هشتگانه هستیم که عارضی نیست که تابع بخشنامه و یا قراردادی باشد. اگر فردیت را کنار بگذاریم گرفتار جمعیت می شویم و اگر تمایلاتمان مادی نباشد، گرایشهای معنوی داریم.

چهار نتیجه تفاوت های هشت گانه: تفاوت های هشتگانه چهار نتیجه برای انسان دارد. الف: تفاوت در آگاهی و دانش: برخی علاقه مند به علوم حسی و تجربی اند، و برخی به فلسفه و عرفان ریشه این علائق به ابزار ادراکی ما برمی گردد. سه ابزار ادراکی انسان (حس و تجربه، عقل و استدلال، کشف و شهود و الهام) باعث تفاوت در آگاهی انسانها می شود، در همین راستا علوم مختلف مثل فلسفه، عرفان، علوم تجربی، علوم انسانی و سایر علوم شکل می گیرد. علاوه بر منابع متفاوت معرفتی، چیزهای دیگر مثل جنسیت، محیط، تمایلات انسانها بر آگاهی انسان اثر می گذارد. ب: تفاوت در میزان باورها: باورهای ما بر اساس تمایلات و تفاوت های اولیه، یکسان نیست و قدری که پررنگ تر می شود، در قالب تفاوت در مذهب و دین بروز می کند. تفاوت مذهب و دین که قبل از آن تفاوت باورهاست، به خود انسان تمایلات و منابع معرفتی او ارتباط دارد. اگر فردی خود را به معرفت حسی محدود کند، نتیجه آن باورهای خاص خود خواهد بود. اما اگر به حالات معنوی گرایش داشته باشد باورهای او تغییر می کند. ج: تفاوت در آداب و رسوم: انسان ها بر اساس همان تفاوت ها، دارای آداب و رسوم متفاوتند. نژاد ها، اقوام و زبان های متفاوت، منجر به آداب و رسوم های

متفاوت می شوند که ریشه در همان تفاوت ها دارند. بدین ترتیب آداب و رسوم مختلف شکل می گیرد. د: تفاوت در کیفیت رفتار: رفتار معتدل، تند، آرام، شادمنشانه یا غمگینانه موجب می شود که افراد دارای رفتارهای فردی و اجتماعی متفاوتی بشوند. پس ما تفاوت های اولیه داریم که نه قابل حذف است و نه با بخشنامه کم و اضافه می شود، بلکه همراه ماست. این تفاوت های هشت گانه چهار اختلاف را در زندگی انسانها ایجاد می کند. اختلاف در دانش و آگاهی، اختلاف باورها و عقائد، اختلاف آداب و رسوم و اختلاف در رفتار. مجموعه این چهار اختلاف باعث شکل گیری تمدن ها و فرهنگ هاست. چرایی تفاوت تمدن ها و فرهنگ ها نتیجه تفاوت در باور، دانش، آداب و رسوم و رفتار آدمهاست. درک این موضوع به ما کمک می کند تا زندگی بهتری را داشته باشیم.

دو نوع نگرش به تفاوتهاست: 1- نگرش حذف تفاوت ها: در طول تاریخ دو نوع نگرش نسبت به این تفاوتها وجود داشته است. یعنی یک طرف این تفاوتها را در نظر گرفته و نگاه دیگری را کنار می گذاریم. مثلا در جامعه مرد سالار زن جایگاهی ندارد. نژاد پرستی که بر جامعه حاکم می شود بر سیاهان سخت می گذرد. در عرصه اندیشه فقها که حاکم می شوند، عرصه بر فلاسفه و عرفا تنگ شده و به محاق می روند. با حاکم شدن علوم تجربی، معنویت کنار می رود. رهبانیت و صوفی گری که حاکم می شود، تمایلات طبیعی و ازدواج منکوب می شود. دعوای فلاسفه و عرفان یا دعوای عشق و عقل یک جدال تاریخی در ادبیات فارسی است. نزاع دائمی بین فلاسفه و عرفا و به طور کلی نزاع بین ادیان گوناگون به خاطر عدم درک این تفاوتهاست که فقط یکی را قبول داشته و دیگری را طرد می کنند.

نگرش مدیریت تفاوتها: پیامد نگرش حذف در نسبت به این تفاوتها که در سه حلقه ذکر شد (حلقه اول در انسان، حلقه دوم محصول اجتماعی، حلقه سوم فرایند کلی که فرهنگ و تمدن را شکل می دهد)، رکود، فقر، تباهی و خونریزی را به دنبال دارد. اما نگرش دوم، مدیریت تفاوتهاست که در تاریخ البته کمتر اتفاق افتاده است ولی در دوره معاصر کمی بهتر شده است. مدیریت تفاوتها یعنی تفاوت ها را دیدن و هر کدام را در جای خود دیدن تا بتوانیم در سطح بالاتری به تفاهم رسید. کار یک مدیر این است که تعامل را برقرار کند. کسی که می خواهد تعامل را برقرار کند باید در یک سطح بالاتری قرار داشته باشد. اگر این تفاوت ها را درک و قبول کردیم آغاز صلح و آرامش در میان جوامع ایجاد خواهد شد. ما قبل از گفتگوی تمدن ها باید گفتگوی بین دو علم و دو عالم را شروع کنیم. و قبل از آن، اگر نتوانیم دو آدم را تحمل کنیم، گفتگویی شکل نخواهد گرفت. گفت گو

زمانی شکل می گیرد که تفاوتها را بپذیریم. اگر گفت گو در بخشی از زندگی انسانها شکل بگیرد در سایر بخشها هم شکل می گیرد. جوامعی که در طول تاریخ تکثر را باور کردند، توانستند، پا در عرصه تمدن و پیشرفت و توسعه بگذارند.

#اختصاصی سخن معلم